

خیرآباد نامه

۲۵ سال زندگی یک محقق ژاپنی در روستای خیرآباد

خیرآباد نامه (۲۵ سال با روستائیان ایران)

تألیف: موریو اونو

ترجمه: هاشم رجبزاده

ناشر: دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶

خیرآبادنامه (۲۵ سال با روستائیان ایران)

تألیف پروفیسور موریو اونو، استاد دانشگاه توکیو است، که با ترجمه دکتر هاشم رجبزاده، استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکای ژاپن در سال ۱۳۷۶ توسط دانشگاه تهران به زیور طبع آراسته شده است.

مؤلف در سال ۱۹۲۵ م. در توکیو در خانواده‌ای از نسل سامورایی به دنیا آمده است. وی در سال ۱۹۵۰ م. دانشکده علوم دانشگاه توکیو در سال ۱۹۵۳ م. دانشکده اقتصاد آنجا را به پایان رساند و چند سال بعد در بخش فرهنگ خاورمیانه دانشگاه به تدریس مشغول شد.

مدتی بعد کرسی تحقیق مردم‌شناسی دانشگاه توکیو را به دست آورد و سال‌ها ریاست مؤسسه فرهنگ خاوری آن دانشگاه را برعهده داشت. وی در سال ۱۹۸۴ از دانشگاه توکیو با عنوان استاد ممتاز بازنشسته شده و به کار تحقیق مشغول گردیده است. پروفیسور موریو اونو، استاد مردم‌شناسی و ایران‌شناس فارسی دانی است که در جامعه دانشگاهی ژاپن و میان ایران‌پژوهان آن سرزمین چهره‌ای آشنا و مورد احترام است.^۱

وی سال‌ها پیش از انقلاب به ایران و روستاهای کشور ما سفر کرده و با دیده تحقیق و پژوهش، سیر و سلوک و آئین و رسوم مردم روستاها را نگر بسته و مورد ارزیابی و مذاقه قرار داده است. پروفیسور اونو گوشه‌ای از تحقیقات خویش را بر محور روستای «خیرآباد» مرودشت فارس به جامعه تحقیقی جهان عرضه داشته است.

کتاب خیرآبادنامه که «چکیده و عصاره‌ای است

○ کشواد سیاهپور

است:

مقدمه نویسنده (برای ترجمه فارسی کتاب)؛

مقدمه مترجم؛

پرده اول: سال ۱۹۶۴

۱. مردی به نام مش غلامرضا، ۲. داستان اسکان کوچ‌نشینان طایفه لشنی، ۳. بنیاد شدن ده به وسیله مالک و اصلاحات ارضی، ۴. مشتعلی میرزا کشاورز، ۵. شکایت عباسقلی، ۶. روستائینی که زمین ندارند.

پرده دوم، صحنه اول: سال ۱۹۷۴

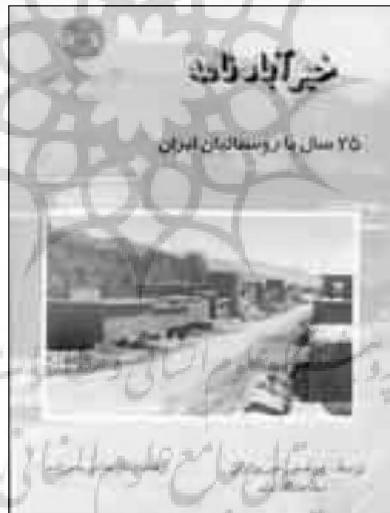
۱. پس از ده سال دوباره با روستائیان، ۲. فرا رسیدن موج ماشینی شدن به ده، ۳. مردن مردنه، ۴. کشف آثار ناحیه مسکونی کلاک، ۵. فرو ریختن نظام گردش هر ساله زمین، ۶. دزدانار، ۷. خانه نوی مش غلامرضا، ۸. چادرنشینان عرب و خیرآباد، ۹. خسوف در ده، ۱۰. مهمانی خادحافظی.

پرده دوم، صحنه دوم: سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۵

۱. مرگ پیران روستا، ۲. قضیه حمام، ۳. تصب طایفه‌ای و تبعیض طبقاتی در ده، ۴. از خاک برآمدیم و بر خاک شدیم، ۵. قالی‌بافی، ۶. حال و روز رضوی، مالک پیشین خیرآباد، ۷. عاشورای محرم، ۸. دعوی دو برادر: مش غلامرضا و مش رمضان.

پرده سوم: سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰

۱. سراسیمگی علیرضای جوان، ۲. شهر در آستانه انقلاب، اما ده... ۳. رویداد انقلاب، ۴. رفتن



از حاصل تجربه و تحقیق ۲۵ ساله نویسنده در احوال روستاهای ایران و مردم آن با نمونه خیرآباد، به تعبیر نویسنده مانند سرشیری است که شیر و مایه فراوان در زیر دارد، که همان یافته‌ها و مطالب فراوان و متنوع فراهم آمده در چندین دهه زندگی با روستائیان ایران و تحقیق در حال و کار آنها می‌باشد»^۲.

پروفیسور اونو با دانشگاه شیراز و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی آن، سال‌ها همکاری نزدیک داشته و مونوگرافی «ابراهیم آباد» نیشابور را با همکاری دکتر مهدی طالب و «دهکده ساعتلو رضائیه» را در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ منتشر کرده است.

مطالب و محتوای کتاب خیرآبادنامه به قرار زیر

علیرضا به تهران در پی کار و روزی، ۵. نیم سال پس از انقلاب، ۶. پایان نظام گردش هر ساله زمین میان کشاورزان صاحب سهم، ۷. نمای ده پس از انقلاب، ۸. از بین رفتن مقام کدخدا.

پرده چهارم: سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹

۱. شهادت نوروز در جنگ، ۲. فرا گرفته شدن ده در سیاست انقلاب، ۳. ساختن مرغداری و چاه زدن بی‌رویه، ۴. نومییدی مش غلامرضا، ۵. برق تازه آمده

پروفیسور موریو اونو، استاد مردم‌شناسی و ایران‌شناس فارسی‌دانی است که در جامعه دانشگاهی ژاپن و میان ایران پژوهان آن سرزمین چهره‌ای آشنا و مورد احترام است

در خیرآباد، ۶. کشاورزهای آزاد شده به کجا می‌روند، ۷. در گورستان، ۸. یاد و خاطره مش علی میرزا، ۲۵.۹ سال خودآگاهی و دلیری کشاورزها.

حاصل سخن

در بخش اول (یا پرده اول) کتاب، نویسنده اطلاعاتی کلی از وضعیت جغرافیایی، اقتصادی و انسانی روستا ارائه می‌دهد. کدخدای ده، مش غلامرضا (مشهدی غلامرضا) در نتیجه اصلاحات ارضی صاحب اراضی زیادی شده است. مردم ده خیرآباد از چند نژاد مختلف‌اند و به لهجه‌ها و زبان‌های مختلف تکلم می‌نمایند. فارسی زبان‌ها بیشتر از ایل بصری هستند. ترک زبان‌ها اکثراً قشقایی‌اند. گروهی دیگر که عشایر عرب زبان‌اند و جمعی از مردم ده که لر زبان هستند. مشهدی غلامرضا کدخدای ده خود از طایفه لشنی است. جمع زیادی از مردم ده نیز از این طایفه هستند.

نظام ده تقریباً نظام ارباب - رعیتی است. مالک پیشین ده آقای رضوی اکنون قدرت پیشین خود را از دست داده و مشهدی غلامرضا جای او را گرفته است. آقای رضوی در شهر زندگی می‌کند و کدخدا در ده. نویسنده درباره نظام ارباب - رعیتی در دهات ایران می‌نویسد: «دهات ایران در همه جا تابع نظام ارباب - رعیتی بود. تا آنجا که کشاورزان به یاد داشتند،

بیشتر زمین‌های ده همیشه مال ارباب‌ها بود که در شهر زندگی می‌کردند. اکثر کشاورزان را در قلعه تنگ ده خانه می‌دادند و می‌نشانند تا در زمین مالک کشت و کار بکنند و از حاصل کار سخت خودشان سهم زمین گران‌قیمت مالک را بدهند. تصور می‌شد که این وضع سرنوشت لایزال کشاورزان است. کشاورز خیرآبادی نیز همین حال را داشت»^۲.

این، تصویری کلی از دهات ایران بود. در دهات مدرسه وجود نداشت و به جای آن مکتب‌خانه بود. در این مکتب‌خانه‌ها با سواد می‌خوانده می‌شد، به بچه‌ها و حتی مردان بزرگ درس می‌داد. درس قرآن و در کنار آن شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، آثار نظامی، داستان‌های فلک ناز، امیرارسلان رومی

و... نیز خوانده می‌شد. قرآن نماد مذهب بود و شاهنامه نماد ملیت و این هر دو در نزد عشایر فارس و مناطق همجواری نظیر کهگیلویه و بویراحمد و بختیاری محترم شمرده می‌شد.

در پرده دوم که خود از دو صحنه تشکیل شده، نویسنده پیشرفت‌های ده را پس از ده سال که دوباره به آن باز می‌گردد برمی‌شمارد. جاده وسیع‌تر شده است. دبستان درست شده است. حمام ساخته شده است. خانه‌های نو و بزرگ احداث شده است و بالطبع جمعیت ده نیز افزایش یافته است. مردم از مسائل سیاسی روز سخن می‌گویند و مشخص است که نسبت به آن حساسیت دارند. به اخبار رادیو گوش می‌دهند و معتقدند رادیو بی‌بی‌سی اخبار داغ‌تری بیان می‌دارد.^۳

نویسنده از زبان مشهدی غلامرضا می‌نویسد که اعضای حزب توده ۱۰ سال پیش از اصلاحات ارضی به دهات فارس و مرودشت می‌آمدند و علیه نظام مالکیت ارضی و ارباب - رعیتی سخن می‌گفتند. «آنها دوچرخه‌سوار می‌شدند و هر روز به دهات می‌رفتند و درباره تقسیم اراضی تبلیغ می‌کردند... مصدق نخست وزیر در رادیو نطق کرد. مضمون آن هنوز هم یادم است: سهم مالک از محصول کشاورزی باید کم بشود و سهم رعیت کشاورز باید زیاد بشود...»^۴

مش غلامرضا معتقد است: «شاه از فکر مصدق استفاده کرد و اعلام کرد که خودش اصلاحات ارضی خواهد کرد... شاه مجلس شورای ملی را بست و ارستجانی را روی کار آورد و خواست که اصلاحات ارضی شاه را با زور اجرا کند.»^۵

نویسنده در این بخش از کتاب به رسوم باستانی ایرانی که مردم ده هنوز به آن مقید و پایبند هستند، نیز اشاره می‌کند - مراسم چهارشنبه سوری و سیزده به در و عید نوروز.

به علاوه نویسنده چگونگی اجرای مراسم ماه محرم و سینه‌زنی و زنجیرزنی مردم ده را نیز توصیف می‌کند. وی همچنین از وظایف «سلمانی» (آرایشگر) محل و قالی‌بافی زنان ده سخن می‌گوید. پرده سوم از سال‌های ۱۹۷۸ م. (۱۳۵۷ ه.ش.) تا ۱۹۸۰ م. (۱۳۵۹ ه.ش.) را دربر می‌گیرد که نویسنده به رویداد انقلاب و تأثیر آن در ده و مردم آن می‌پردازد و به الغاء مقام کدخدائی در نتیجه انقلاب اشاره می‌کند.

پرده چهارم کتاب سال‌های ۱۹۸۳ م. (۱۳۶۲ ه.ش.) تا ۱۹۸۹ م. (۱۳۶۸) را دربر دارد که به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و نقش جوانان ده در جنگ و شهادت برخی از آنان اشاره دارد. همچنین نویسنده از امکانات و تغییر و تحولات جدیدی که پس از انقلاب رخ داده است سخن می‌گوید. از جمله برق روستا، شرکت تعاونی ده و احداث مرغداری و غیره. یکی از نکات جالب کتاب معادل ژاپنی برخی از کلمات و اصطلاحات فارسی است که نویسنده آورده است؛ از جمله «روستا» که معادل ژاپنی آن «مورا» است. «هکده» که معادل آن «آزا» است و «وجدان» که معادل آن «دیوشین» است.

در پایان باید گفت که این کتاب بیانگر نمای کلی دهات ایران قبل و بعد از انقلاب می‌باشد و جا دارد از نویسنده محترم و مترجم دانشمند آن تشکر فراوان نمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اونو، موریو: خیرآبادنامه (۲۵ سال با روستائیان ایران)، ترجمه: دکتر هاشم رجب‌زاده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۵.
۲. همانجا.
۳. همان، ص ۱۶.
۴. همان، ص ۵۸.
۵. همانجا.
۶. همان، ص ۵۹.